

مبارزه‌ی پیگیر برای لغو حکم اعدام امیر حسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی



خطاب به کارگران، زحمتکشان، جوانان، زنان و روشنفکران

پرجم مبارز[] پیگیر برای لغو حکم اعدام امیرحسین
مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی و پیکار همه
جانبه برای حذف مجازات اعدام به طور کلی را
برافراشته نگاه داریم!

کارگران انقلابی متحد ایران

تحمیل افزایش شدید قیمت بنزین به زور گلوله باران مردم، کشتار و
زخمی کردن صدها تن زن و مرد و دستگیری هزاران نفر در سراسر
ایران، بیانگر چهره[] واقعی رژیم جنایتکار، جلا و غارتگر اسلامی
است. افزایش قیمت بنزین مستقیم ترین راه دزدی از درآمد مردم برای
تأمین هزینه های دولتی است. این اقدام به تنهایی ماهیت عملکردهای
اقتصادی و سیاسی رژیم اسلامی را نشان می دهد. دستگاه دولتی حاکم،
که هم حامی سرمایه داران و زمینداران است و هم خود[°] سرمایه دار
و زمیندار بسیار بزرگی است، دستگاهی است که رابطه اش با مردم
متکی بر سرکوب و کشتار است. آری حکومت می خواهد که هزینه[] این
ماشین استثمار، کشتار، اختناق و شکنجه را خود[°] استثمارشدگان،
سرکوب شدگان و قربانیان خشونت ها و جنایات همین دستگاه بپردازند!

یکی از علل این واقعیت که در جنبش آبان ماه، توده های وسیعی از مردم، بویژه توده های تهیدست، در تقریبا هم شهرهای کشور دست از جان شسته به مخالفت با فرمان ملوکانه خامنه ای برخاستند بی گمان تأثیر وخیم مستقیم این تصمیم راهزنانه بر زندگی روزانه آنها بود، تصمیمی که باعث می گردید بخش مهم و تحمل ناپذیری از مزد ناچیز کارگران و درآمد محقر دیگر توده های تهیدست صرف هزینه رفت و آمد و حمل و نقل گردد (حتی اگر تنها به این جنبه از تأثیرات افزایش قیمت بنزین بر هزینه زندگی توده مردم بسنده کنیم و اثرات آن بر افزایش قیمت دیگر کالاها و خدمات را در نظر نگیریم). اما اعتراضات مردم تنها به خاطر افزایش بهای بنزین نبود. آنچه توده های وسیع مردم را به حرکت درآورد نه تنها سه برابر شدن ناگهانی قیمت بنزین، نه تنها انجام قلدر منشانه این تصمیم ضد مردمی، بلکه انفجار خشم انباشته شد توده های مردم از کل عملکرد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ای بود که نظام اقتصادی - اجتماعی و سیاسی حاکم در طول چندین دهه بر آنها تحمیل کرده است. مردم با مشاهدات روزانه و با تفکر آگاهانه پیوند میان افزایش قیمت بنزین را با کل سیاست رژیم، چه سیاست داخلی آن با غارتگری ها و اختلاس ها، با سرکوب و اختناق و قلدرمنشی سردمداران رذل حاکم، و چه سیاست خارجی اش با قربانی کردن جان هزاران تن، هزینه های کمرشکن نظامی، و تلاش های ارتجاعی دیگر برای گسترش نفوذ و هژمونی پان اسلامیسیم شیعی در منطقه می دیدند. به بیان دیگر، اعتراض به افزایش بهای بنزین نه تنها اعتراض اقتصادی سراسری، بلکه جنبشی سیاسی نیز بود که کل حاکمیت را هدف قرار داده بود. این یکی از درس های مهم این جنبش است که فهم آن و ملاحظه دقیق آن می تواند تأثیر مهم چشمگیری در تحول جنبش های آینده و ارتقای کیفی آنها داشته باشد.

اکنون پس از چندین ماه که از به خاک و خون کشیدن اعتراضات بحق مردم در آبان ۱۳۹۸ می گذرد، یکی از دادگاه های فرمایشی رژیم اسلامی ایران سه تن از تظاهرکنندگان اعتراضات آبان ماه امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی را به اعدام محکوم کرده است و بعید نیست که برای عده ای دیگر نیز همین حکم صادر شود همان گونه که امام جمعه اصفهان از احتمال صدور حکم اعدام برای ۸ تن دیگر از تظاهرکنندگان آبان ۹۸ خبر می دهد.

هدف و کارکرد اصلی صدور حکم اعدام اساسا ایجاد رعب و وحشت در میان توده مردم و نشان دادن قدرت بی منازع طبقه حاکم و سلطه آن بر جان و مال مردم است. اما توده مردم برعکس، باید با اعتراض

پیگر و وسیع، مخالفت خود را به مجازات اعدام، نشان دهند. نشان دهند که نه تنها مرعوب حکم اعدام نمی شوند، بلکه در پی لغو مجازات اعدام به عنوان یک مجازات قرون وسطایی اند، مجازاتی که تغییری در مبارزه برحق کارگران و زحمتکشان نمی دهد. هیچ کارگر و زحمتکشی و هیچ شهروند دموکراتی نیست که اعتراض به حکومت را جرم محسوب کند تا چه رسد به اینکه برای آن مجازات اعدام قایل شود. اما حتی در مورد جرایم عادی، واقعیت این است که دستگاه دولتی و سیاست و رفتار طبقات حاکم مسبب اصلی نابسامانی هایی هستند که منجر به وقوع جرم در میان شهروندان می شوند. افزون بر این روشن شده است که حکم اعدام در کاهش جرم و جنایت تأثیری ندارد.

در تاریخ اخیر ایران، اعدام هزاران تن از مبارزان سیاسی در دهه ۶۰، چیزی جز نسق گیری از تودک مردم و ایجاد رعب و وحشت در میان آنان برای ایجاد و تحکیم حکومت اسلامی به غایت ارتجاعی نبود. این اعدام های گسترده چیزی جز عاملی برای خفه کردن مبارزات سیاسی و طبقاتی و تثبیت حکومت دینی و سرمایه داری و یک دستگاه بوروکراتیک - نظامی نبود و نیست.

اما اگر حکومت اسلامی فکر می کند که با این شیوه می تواند مبارزان آزادی و دموکراسی و کارگری را سرکوب کند کاملاً بر خطاست. در آغاز روی کار آمدن رژیم حاکم چند عامل دست در دست هم داده بودند که امکان سرکوب مبارزان برای حکومت ارتجاعی اسلامی فراهم شود. این عوامل عبارت بودند از امید به آینده ای بهتر پس از انقلاب بهمین، امید به مذهبی رهایی بخش، اعتقاد تودک مردم به اینکه حکومت اسلامی تازه ایجاد شده ثمرک انقلاب خود آنان است و باید آن را حفاظت کنند، باور بخش مهمی از مردم به دروغ های رژیم و غیره.

اکنون همک این امیدهای واهی با ستم های بی پایانی که این رژیم بر تودک مردم اعمال می کند، ثروت های بی اندازه ای که در دست حکومتیان جمع شده و فقر و فاقه ای که به طور وسیع دامن تودک مردم را گرفته است آری همک آن امیدهای واهی و خوشباورانه دورک نخست انقلاب بهمین در ذهن تودک مردم دود شده و به آسمان رفته است. اکنون برای تودک مردم ایران روشن شده که حکومت اسلامی عامل سرکوب خواست های بحق مردم و پاسدار سلطک سرمایه داران و زمینداران و دستگاه بوروکراتیک - نظامی بر طبقات محروم جامعک ایران است.

اکنون برای کارگران، زحمتکشان و روشنفکران، مبارزه با این رژیم ضد کارگری و ضد دموکراتیک که تا مغز استخوان فاسد است به مراتب

ساده تر از گذشته است. اکنون فعالان و مبارزان کارگری می توانند بر همدردی و حمایت طبقات پایین جامعه حساب کنند. این همدردی و حمایت توده ها امکان بزرگی برای پیشبرد مبارزات طبقاتی است. از این امکان به نحوی شایسته استفاده کنیم تا گام به گام در راه انقلاب کارگری به پیش رویم. پس باید از این امکان در هم^۱ اعتصاب ها، تظاهرات های کارگران و توده های مردم برای مخالفت با مجازات اعدام و خواست لغو شکنجه و مجازات شلاق، و آزادی زندانیان سیاسی بویژه دستگیر شدگان آبان بهره گیریم. یک شرط پیروزی در این نبرد، مرزبندی با جریانات فرصت طلبی است که برای پیشبرد اهداف و خواست های ضد کارگری خود برخی شعارهای کارگری را به نفع خود مصادره می کنند.

مخالفت با مجازات اعدام و خواست لغو شکنجه و آزادی زندانیان سیاسی مسایل بسیار مهمی اند که باید مبارزه ای وسیع در این زمینه ها به راه افتد. بنابراین ضروری است که کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، زنان و دیگر بخش های تود^۱ مردم به طور عموم برای تحقق این خواست ها مبارزه کنند. کارگرانی که در کارزار اعتصاب و تظاهرات اند باید از جانب کارگران انقلابی و پیشرو، آگاه و برانگیخته شوند که این خواست ها را در تظاهرات و اعتصابات خود طرح کنند و شعارهایی روشن و قاطع در مخالفت با اعدام و شکنجه و برای آزادی زندانیان سیاسی مطرح کنند و به گوش هم^۱ مردم ایران و جهانیان برسانند. هرچه این نوع مبارزات و تظاهرات گسترده تر شوند، یک گام مهم به ضد اعدام مبارزان دیگری که قربانیان این مجازات قرون وسطائی در آینده خواهند بود، برداشته خواهد شد، و رژیم جنایتکار حاکم را یک گام به پس خواهد نشانند. هر موفقیتی در این زمینه ها، مبارزات سیاسی، اجتماعی، اعتصابی، تظاهرات و تلاش های عملی انقلابیان را تقویت خواهد کرد و در راستای روند اعتلای مبارز^۱ انقلابی موثر خواهد بود.

کارگران، زحمتکشان، جوانان، زنان و روشنفکران:

مبارز^۱ پیگر برای لغو حکم اعدام امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی را به پیش بریم و پرچم پیکار همه جانبه برای لغو مجازات اعدام را برافرازیم!

کارگران انقلابی متحد ایران

